

مطالعه مقایسه‌ای عوامل نقش آفرین در تفاوت موضع‌گیری سیاسی آیت‌الله

بروجردی و امام خمینی (ره) بر اساس الگوی مفهومی امیلیو بتی

محسن شفیعی سیف‌آبادی^۱، علیرضا سمیعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست چهارم، شماره ۹۳، زمستان ۱۴۰۰

۲۰۱۰۰۱۱۱۷۳۵۵۰۱۱۴۰۰۲۴۹۳۴۰

چکیده

در حوزه اندیشه‌ها و مواضع سیاسی، پیوند میان نظریه و عمل همواره راهگشای فهم چرایی رویکردهای متمایز عالمان دینی و مجریان سیاسی از یکدیگر بوده است. بر همین پایه، هدف اصلی مقاله از منظری مقایسه‌ای، واکاوی عوامل تأثیرگذار بر تفاوت موضع‌گیری‌های سیاسی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) بر مبنای روش هرمنوتیک و الگوی مفهومی امیلیو بتی است. امیلیو بتی از جمله اندیشمندان حوزه هرمنوتیک روشی است که برای کشف نیت و فهم چرایی موضع‌گیری‌های سیاسی و اندیشه‌های سیاسی اندیشمندان بررسی زمینه‌های محیطی-ایدئولوژیکی و متون صادرشده از آن‌ها را ضروری می‌داند. از همین رو سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه «چه زمینه‌ها و عواملی بر موضع‌گیری سیاسی آیت‌الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) نسبت به امر سیاسی تأثیرگذار بوده است؟» نتایج حاصل از تحقیق که شیوه جمع‌آوری داده‌های آن از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است، نشان می‌دهد که زمینه‌های رشد و بالندگی خانوادگی، محیط زندگی، بسترهای تحصیلی، نوع فهم از علوم دینی، فضای محیطی-ایدئولوژیکی و خوانش متفاوت از خطر گروه‌هایی مانند بهاییان و مارکسیست‌ها از جمله عواملی است که نوع و شیوه فعالیت سیاسی این دو اندیشمند دینی را متفاوت ساخته است. از یک‌طرف آیت‌الله بروجردی با اتخاذ رویکرد علمی و اولویت‌بخشی به مبارزات فرهنگی از ورود عملی به عرصه سیاست دور ماند و از طرف دیگر امام خمینی (ره) متأثر از زمینه‌های مطرح‌شده نه تنها ورود عملی به امور سیاسی را لازم می‌دید که مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی تحت امر ولایت‌فقیه را ضروری می‌دانست.

کلیدواژگان:

امر سیاسی، آیت‌الله بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، امیلیو بتی، هرمنوتیک

۱ - (نویسنده مسئول) استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران shafiee@ardakan.ac.ir

۲ - دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، کهگیلویه و بویر احمد، ایران asamiei@yu.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

۱-۱- مقدمه موضوع

ورود روحانیون به عرصه سیاست و سطوح مختلف دخالت و مواضع متفاوت آنان نسبت به امور سیاسی، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، همواره مورد توجه و پژوهش‌های جدی محافل اجتماعی، پژوهشگاه‌های سیاسی-اجتماعی، رهبران فکری، اندیشمندان سیاسی انقلاب و موافقان و مخالفان آن قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که گذشت بیش از چهار دهه از شکل‌گیری ساختار نظام اسلامی و ثبات یافتن راهبردها و مدیریت‌های خرد و کلان کشور، نتوانسته این شکل از جدال علمی را از مرکز توجه و مذاقه موافقان و مخالفان و نظریه‌پردازهای سیاسی-اجتماعی و آن‌هایی که تعلق خاطر به نحوه مدیریت سیاسی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دارند، خارج سازد. یکی از مهم‌ترین بحث‌های دانشگاهی و حوزوی، نوع موضع‌گیری‌های متفاوت سیاسی-اجتماعی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) نسبت به امر سیاسی است که گاه‌وبیگاه به علل و اغراض مختلف، برای برخی موافقان نظام سیاسی، منتقدان منطقی یا مغرضان سیاسی سوژه می‌شود. واقعیت آن است که بررسی نوع نگاه آیت‌الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که نگرش سیاسی آن‌ها متأثر از بستر و شرایط سیاسی اجتماعی روز و همچنین کنش «پادشاهانی که اسلام‌پناه بودند» در طول زندگی اجتماعی روندی خاص و متفاوت از یکدیگر را دنبال کرده است؛ از ابتدای زعامت بروجردی تا حدود سه سال قبل از رحلت ایشان، همانند برخی از علمای دوران صفویه و قاجاری، اساساً مقوله حکومت و به‌طور کلی امور عرفی را به شاه و سلطنت واگذار نموده بود و در امور سیاسی مداخله نمی‌کرد. البته آیت‌الله بروجردی از سلطان انتظار داشت اولاً؛ برخلاف شرع مقدس رفتاری انجام نداده و ثانیاً؛ از اسلام و شریعت در مقابل اباحی مذهبان داخلی و همچنین کفار خارجی، دفاع نماید. این مساله را هم نباید از نظر دور داشت که بروجردی در عوض برای شخص فقیه در اموری چون امور حسبه ولایت قائل بود و البته در تلاش بود تا شاه و سلطنت را در مقابل دشمنان خارجی و داخلی کمک نماید. این در حالی است که امام خمینی (ره) در رویکردی قاطع‌تر و منحصربه‌فرد، در پی تشکیل نظام سیاسی بر مبنای نظریه ولایت فقیه بود. امام خمینی (ره) عمیقاً اعتقاد داشت (۱) روحانیون باید در امور سیاسی ورود نموده و (۲) اساساً حکومت مخصوص فقیه است. در نتیجه لازم است آنها برای تشکیل حکومت اسلامی حتی مبارزه نمایند. این در حالی است که آیت‌الله بروجردی نسبت به امر سیاسی دیدگاهی مسامحه‌گرت‌تر داشت.



باین‌همه، به گواه تاریخ، روحانیت به‌عنوان قدیمی‌ترین و قدرتمندترین نهاد مدنی در تاریخ اجتماعی ایران نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در زندگی سیاسی و دینی جامعه ایران ایفا کرده است. این نهاد، باهمت و شجاعت علمی و عملی برخی از روحانیون، ایفاگر نقش‌های مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است. در این میان ورود عملی و نظری امام‌خمينی (ره) به امر سیاست، نهاد روحانیت را وارد مرحله جدیدی از تجربه اجتماعی قرارداد. به‌گونه‌ای که از دهه چهل تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک به یک‌دهه و نیم شاهد ارائه چارچوب‌های تحلیلی خاص و ادبیاتی هستیم که روحانیت نسبت به نهاد حوزه، نسبت آن با دولت و امر سیاسی و اجتماعی از خود ارائه می‌دهد. همین ادبیات به‌تدریج روحانیت را از موضع انفعال به موضع کنش‌گری سوق داد. این در حالی است که به نظر می‌رسد رویکرد آیت‌الله بروجردی از حیث گونه و کیفیت متفاوت است. دوران زعامت آیت‌الله بروجردی (ره)، مشحون از رشد، بالندگی و شکوفایی حوزه‌ها است. پیشرفت‌های چون تحت نظام درآمدن مرجعیت، بوجود آمدن مرجعیت واحد در قم، افزایش تعداد طلاب، ورود بیشتر طلاب و روحانیون در جایگاه‌های جدید اجتماعی مانند نویسندگی، خلق فضاهای جدید برای حوزه‌ها مانند نزدیک شدن با اهل سنت و همچنین گسترش یافتن تأثیرات طلاب و روحانیت در اجتماع به‌واسطه شبکه‌های گسترش‌یافته مدارس اسلامی در دوره مرجعیت آیت‌الله بروجردی بوجود می‌آید. این رشد ملموس و پیشرفت‌های عینی اگرچه چشم‌انداز روشن و پویایی خاصی را در ساختار حاکم بر حوزه علمی قم رقم می‌زدند اما از منظر امام‌خمينی، کافی نبود. او آشکارا در پی ایجاد «پایگاه قدرت» آن‌هم در برابر دولت پهلوی بود. هدفی که امام خمینی (ره) معیارهای آن از قبیل شجاعت، بصیرت، مقام علمی و اجتماعی بالا و مدیریت قوی را به‌وضوح در آیت‌الله بروجردی (ره) می‌دید. به باور نویسندگان، به نظر می‌رسد رویکرد و موضع متفاوت این مراجع روحانی نسبت به سیاست و امر سیاسی، تأثیرات متفاوتی بر مناسبات حوزه-حکومت در عصر پهلوی دوم بر جای گذاشته است. در همین راستا، سوال اصلی نوشتار پیش‌رو این است که؛ «رویکرد و مواضع متفاوت آیت‌الله بروجردی و امام‌خمينی نسبت به امر سیاسی متأثر از چیست و قصد آنها از این موضع‌گیری‌های متفاوت چه بوده است؟»



۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری

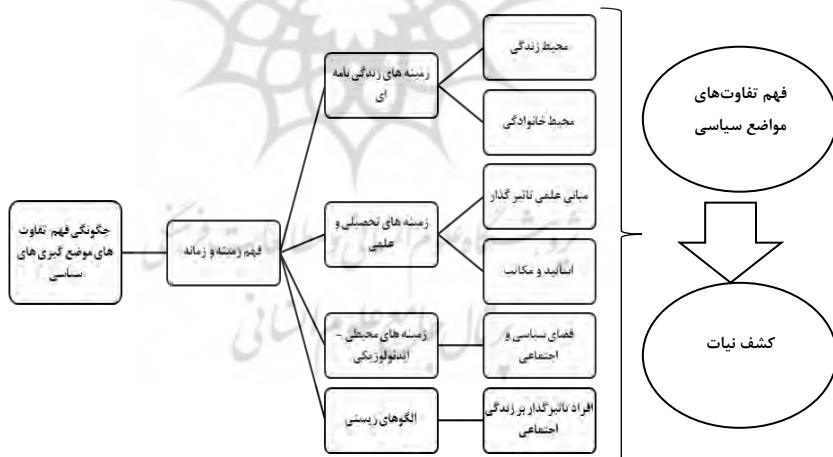
پرسش اصلی در هرمنوتیک^۱ روشی است که برای درک معنا و فهم کیفیت تفکر و موضع‌گیری‌های سیاسی چه رویکردی باید اتخاذ نمود؟ در پاسخ به این پرسش به تدریج رویکردهای زمینه و متن گرا شکل گرفت. جهت رفع نقص دو رویکرد مطرح‌شده، راه سومی نیز به وجود آمده است که بر قصد مؤلف تأکید دارد. این رویکرد در حوزه اندیشه سیاسی در آرای افرادی چون امیلیو بتی^۲ نمود یافته است. از نظر او متن تجسم یک عمل ارتباطی قصد شده در یک فضای فکری، ایدئولوژیک و تاریخی خاص است. هر جمله متضمن نیت خاصی درباره مورد یا موقعیت خاص، و معطوف به حل مشکلی خاص است. وی معتقد است که برای تفسیر معنای موضع‌گیری‌های سیاسی به‌منزله تجسم عینی نیت مؤلف، فهم نیت وی لازم است. این نیت نیز صرفاً عملی ذهنی نیست بلکه کنشی اجتماعی محسوب می‌شود که در زبان عصر مؤلف عینیت می‌یابد. برای درک نیت مؤلف علاوه بر شناخت زبان و مفاهیم معانی، بیوگرافی، شناخت زمینه‌های علمی، اجتماعی، تاریخی و فکری زمانه وی نیز لازم است (Betti, 2016, p 43)

مجموعه آراء امیلیو بتی تحلیل‌گران و محققان اندیشه سیاسی را بر آن داشته تا اذعان کنند که او یکی از پرآوازه‌ترین متفکران در صورت‌بندی انگیزه‌های مرتبط به مطالعه دانش هرمنوتیک روشی است که به‌مثابه نظریه تفسیری مدرن مطرح است. آثار او در علم هرمنوتیک پاسخی کاملاً انتقادی به دیدگاه غالب نسبت به مساله‌زبان است که می‌توان آن را اثبات‌گرایی در تفسیر نامید. (بتی، ۱۵: ۲۰: ۵۵) توضیح آنکه به باور او، مؤلفه‌ها و مقولات علوم انسانی امری مشاهده‌پذیر و قابل‌فهم از درون تجربه‌ی حیاتی یک هم‌نوع انسانی است؛ و این دقیقاً همان چیزی است که مفسران و تحلیل‌گران می‌خواهند آن را در تجربه و ذهن کاوشگر خود بازسازی کنند. به‌طورکلی امیلیو بتی نیز به «نظریه عام تفسیری» اعتقاد دارد و روش‌شناسی دقیق و عامی برای علوم انسانی عرضه نموده است. دغدغه وی درک نیت صاحب اثر بوده و بر این اساس با تحلیل زمینه‌ای، کنار زدن پیش‌فرض و پیش‌داوری‌ها و همچنین علایق شخصی مفسر را توصیه می‌کند. بتی برای وصول به این مهم و دست‌یابی به افق دید اندیشمندان بر قالب‌های معنادار و مهمی تأکید می‌کرد، قالب‌هایی که به‌زعم او

1. Hermeneutics
2. Emilio Betti



پیش‌شرط ارتباط بین‌الذهانی است. بنابراین از دیدگاه وی درک کیفیت، چگونگی و جنس اندیشه متفکران نوعی بازسازی گفتار و اظهارات و رجعت به زمینه و زمانه شکل‌گیری شخصیت و تفکر اندیشمند است که به‌وسیله مفسر و محقق برای فهم درست، به‌نوعی خاص تجربه می‌شود. این مهم تحولات و تفاوت‌های آگاهانه یا ناآگاهانه زاویه دید و کلیات و جزئیات افکار و تحقق نوع اندیشه‌ها را مشخص می‌کند. واضح است که مراد از این سخن همان فرآیند بازآفرینی متن و مواضع فکری به دست تأویل کننده است که به‌طریقی معکوس با عمل تصنیف صورت می‌گیرد. این همان نکته‌ای است که قبلاً است مطرح کرده و شلایرماخر^۱ و دیلتای^۲ نیز آن را پذیرفته و بسط داده‌اند و در اینجا بتی بر آن تأکید کرده است. (Betti, 1967, p 98) از نظر بتی، عمل بازسازی یا بازآفرینی یک اثر می‌بایستی بر پایه نظامی بنیادی از اصول به انجام رسد که حاصل آن تشخیص تأویل درست از نادرست باشد. از جمله اصول بنیادی این نظام می‌توان به زمینه خلق اثر و نیز به نیت مؤلف اشاره کرد که از اصول محوری تفکر بتی است. این موضع بتی که می‌توان گفت موضع هرمنوتیک روشی (مؤلف محور) است، شباهت زیادی با موضع واقع‌گرایی دارد و البته، وی به دلیل داشتن چنین موضعی است که از طرف گادامر^۳ نقد شده است.



نمودار شماره ۱۵- مدل مفهومی امیلیو بتی و فهم مواضع مختلف سیاسی

- 3- Schleiermacher
4- Dilthey
5- Gadamer



۲-۲- پیشینه پژوهش

رویکردهای متفاوت امام خمینی (ره) نسبت به آیت‌الله بروجردی بخصوص در دوره پس از انقلاب اسلامی در محافل مختلف مورد تحقیق و مطالعه جدی قرار گرفته است. در ادامه به برخی از آثاری که تا حدودی با موضوع تحقیق حاضر قرابت بیشتری دارند اشاره می‌شود:

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
یحیی فوزی (۱۳۸۰) روش توصیفی	در این مقاله مواضع سیاسی امام خمینی در سه مقطع سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۴۰ و همچنین ۱۳۴۰ - ۱۳۴۳ و ۱۳۴۳ - ۱۳۵۷ مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین دلایل برخورد انتقادآمیز امام خمینی با الگوهای نوسازی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پهلوی دوم، مورد مطالعه قرار گرفته است.	امام نسبت به بسیار از روحانیون، در عین اینکه بر اساس مبانی نظری عقل‌گرایانه خود حامی هر نوع اصلاحات واقعی در حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد است اما عوامل اجرایی نوسازی در کشور را عمال استعمار می‌داند و اهداف اصلاحات را نیز اهدافی دیکته شده در جهت منافع - استعمار در کشور تلقی می‌کند که «شاه مأمور است آن‌ها را انجام دهد.
رسول جعفریان (۱۳۸۲) روش تاریخی و مروری	مطالعه کلی و اجمالی نقش آیت - الله العظمی بروجردی در احیای حرکت فکری و سیاسی حوزه	دامنه نفوذ مرجعیت شیعه با رهبری آیت‌الله بروجردی، و با تکیه بر مفاهیم سیاسی - مذهبی شیعه در جامعه گسترش پیدا کرد. به باور نویسنده، می - توان مدعی شد، نفوذ بروجردی مانع از آن شد که رژیم نسبت به آیت‌الله کاشانی سختگیری کند و طبعاً، با وجود همه بی‌اعتنایی‌ها، موقعیت و نفوذ مرحوم بروجردی میان مردم نیز، چیزی نبود که شاه بتواند به سادگی از آن بگذرد. به - گونه‌ای که شاه بعدها او را عامل تأخیر در اجرای اصلاحات معرفی کرد.



<p>تفاوت این دو در عمل به یک هدف مشترک می‌انجامد و تقابل علمی و عملی با استبداد مؤثر بوده است.</p>	<p>اشکال و گونه‌های پردازش مقولات سیاسی صرفاً در روش عملی بروجردی و امام خمینی (ره) در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰</p>	<p>زهره قاسمی، محمدکاظم کاوه، پیش‌قدم، محمدحسین بهزادی- روش توصیفی</p>
<p>بهایبان پس از به حکومت رسیدن محمدرضا پهلوی و به‌خصوص در دهه-های سی تا پنجاه، به مناصب اساسی در حکومت و دربار دست‌یافتند و با حمایت دولت‌های استعماری، روش‌های مختلف اسلام‌ستیزی را پیش‌گرفتند. نقش روحانیت و مراجع آگاه، به‌خصوص آیت-الله بروجردی و پس از ایشان، امام خمینی (ره) در مبارزه فکری و قانونی با این فرقه، بسیاری از اهداف مشترک-حکومت و بهائیت را خنثی کرد.</p>	<p>سنجش تاریخی نقش آیت‌الله بروجردی و امام خمینی در مبارزه با اسلام‌ستیزی و نفوذ بهایبان در دولت پهلوی</p>	<p>مسلم محمدی (۱۳۹۰)- روش توصیفی</p>
<p>آیت‌الله بروجردی در طول زندگی ایشان روندی ثابت را دنبال نکرده است؛ در دوره اول که سه سال پیش از مرگ او، در امر سیاسی دخالتی نمی‌کرد با این وجود برای فقیه در امور حسبه ولایت قائل بود؛ اما امام خمینی (ره) باور داشت که حکومت مخصوص فقیه است و باید برای تشکیل حکومت اسلامی مبارزه نمود.</p>	<p>بررسی و تحلیل مفهوم حکومت در نگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله- بروجردی (ره)</p>	<p>خسرو نیکنام و سید حسن ملائکه (۱۳۹۷)- روشی توصیفی و تحلیلی</p>
<p>هر دو اندیشمند دینی طرح راهبردی تحقق وحدت و تقریب را در قالب یک رویکرد سیاسی در نظر داشتند و در تلاش بودند که زمینه‌هایی چون ایجاد شرایط مناسب برای خلق وحدت، فعال شدن نخبگان سیاسی- مذهبی در قامت مجریان وحدت، را برای ایجاد اتحاد سیاسی مسلمانان اعمال نمایند.</p>	<p>اندیشه «تقریب» در دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله بروجردی</p>	<p>سید حسن قریشی کرین، احمد حسین فلاحی، یدالله خرم‌آبادی، (۱۳۹۱)- روش تحقیق اسنادی</p>



افرادى چون آيت‌الله بروجردى و امام خمينى (ره) در فعاليت سياسى در زمينه رهبرى امور دينى و سياسى و فعاليت‌هاى فرهنگى در مقابل با جريان غير دينى شدن ايران نقشى پويا و فعال داشته‌اند.	بررسى نقش نهاد مرجعيت شيعه نقش در تحولات اجتماعى ايران دوران معاصر	على ربانى خوراسگانى (۱۳۸۴) - توصيفى
افرادى چون خويى و امام خمينى (ره) شهرت فتوايى برخى را به علت اينكه شكل استنباطى و اجتهادى به خود گرفته مقبول نمى‌دانند.	مطالعه حجيت شهرت فتوايى در اصول متلقات آيت‌الله بروجردى، خويى و امام خمينى (ره)	عليرضا فيض، على بهرامى نژاد (۱۳۸۷) - روش توصيفى
اعتدال و احتياط در بحث‌هاى تاريخى و تک‌تک احاديث، از جمله ويژگى‌هاى روش فقهائى آيت‌الله بروجردى است.	بررسى روش فقهى آيت‌الله بروجردى (ره)	ابوالفضل شكورى (۱۳۷۰) - روش توصيفى - تحليلى
آيت‌الله بروجردى در زمان دولت پهلوى بانى وحدت مرجعيت و مانع عمده مخالفان اندیشه‌هاى فرهنگى و اجتماعى اسلام بود.	بررسى سيره سياسى آيت‌الله حائرى، آيات ثلاث و آيت‌الله بروجردى در قبال دولت پهلوى	سيد حسن امين (۱۳۸۹) - روش توصيفى

به نظر مى‌رسد در زمينه فهم مواضع متفاوت اندیشمندان دينى، حلقه مفقوده اين پژوهش‌ها يافتن زمينه‌هاى اين رويکردهاى منحصر به فرد است؛ بنابراین، آنچه مقاله حاضر را از ساير آثار مطرح شده متمایز مى‌کند، اولاً؛ چارچوب نظرى و مدل مفهومی کاملاً متفاوت آن ثانياً؛ شیوه تحليل؛ و ثالثاً؛ پردازش به چرایی و زمينه‌های اتخاذ مواضع متفاوت آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) و رابعاً؛ نتایج به دست آمده از این پژوهش است.

۳- روش تحقیق

مقاله حاضر از منظر نوع تحقیق، بنیادی است. استراتژی کلی تحقیق نیز کیفی بوده و به لحاظ روشی پژوهش حاضر از نوع هرمنوتیک روشی با رویکرد «انطباق نظریه با مورد» و «آزمون نظریه با مورد» است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها نیز اسنادی یا کتابخانه‌ای است. مطالعات اسناد و مدارک و تحقیق کتابخانه‌ای ابزار مناسبی برای گردآوری داده‌ها در تحقیق کیفی است. در این روش، استفاده از اسناد و مدارک را می‌توان به عنوان یک روش و استراتژی مکمل ساير روش‌ها به کاربرد. لازم به ذکر است که روش کتابخانه‌ای در اکثر تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بعضی از آن‌ها موضوع تحقیق از نظر روش، از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. در ارتباط با هرمنوتیک نیز در یک تعریف



کلی باید بیان داشت که این دانش مطالعه اصول کلی تفسیر کتاب مقدس است. برای مفسران مسیحی و یهودی در دوران معاصر، هدف اصلی هرمنوتیک و روش‌های تفسیری به‌کاررفته در تفسیر، کشف حقایق و ارزش‌های بیان‌شده در کتاب مقدس بوده است. البته اصطلاح هرمنوتیک در ارتباط با تفسیر متون مقدس سایر روایات دینی از جمله قرآن نیز به‌کاررفته است. (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳) باین‌وجود، تا به حال تقسیم‌بندی‌های متعددی از دانش هرمنوتیک صورت گرفته است. مطابق یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، هرمنوتیک به سه دسته هرمنوتیک روشی، فلسفی و انتقادی تقسیم می‌شود. (منوچهری، ۱۳۸۱، ص ۶۳) منظور از هرمنوتیک روشی آن است که این دانش به‌عنوان نوعی از روش تفسیر و یا روش‌شناسی علوم انسانی به دنبال کشف معنای موردنظر مؤلف از طریق شناخت قواعد زبانی و نیز همدلی روان‌شناختی با صاحب اثر است. (بلاشیر، ۱۳۸۵، ص ۳۴) امیلیو بتی نیز به نظریه عام تفسیری باور دارد و روش‌شناسی عامی را برای علوم انسانی عرضه نموده است. دغدغه اصلی او درک معنا و مقصود صاحب اثر بود و بر این اساس طرد پیش‌داوری‌ها و علایق شخصی مفسر را توصیه می‌کند. بتی برای وصول به ذهنیت و دنیای صاحب اثر بر قالب‌های معنادار تأکید می‌کند، قالب‌هایی که به‌عنوان پیش‌شرط ارتباط بین الادهانی است؛ بنابراین از دیدگاه وی فهمیدن متن نوعی بازسازی و بازتولید اظهارات و آثار معنادار ذهن دیگری است که به زبان مفسر ترجمه می‌شود. البته تغییر آگاهانه یا ناآگاهانه پاره‌ای از افکار و موقعیت‌ها از موانع بازشناسی و بازتولید است که باید با آن‌ها مقابله کرد. تأکید بتی بر این است که مفسر نباید اثر را به لحاظ معنایی، مستقل از صاحب اثر و زیست‌محیطی و ایدئولوژیکی او بداند؛ زیرا هدف تفسیر، وصول به معنای اثر - از آن‌جهت که اثر است - نمی‌باشد. (خسرو پناه، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۷) نکته جالب‌توجه دیگر نظریه او این است که باید جزء متن را نسبت به تمام و کل متن مطالعه کرد و در فرایند تفسیر، این مساله را در نظر داشت؛ یعنی با نگاه سیستمی به تفسیر متن و اثر اقدام کرد. آنگاه مفسر باید به ترجمه ذهنیت خالق اثر بپردازد تا آن را به دنیای ذهنی خود نزدیک کند. بتی از نقش پیش‌دانسته‌ها و ذهنیت مفسر غافل نیست. از این‌رو توصیه می‌کند که مفسر باید مراقب باشد تا ویژگی‌های فردی او بر فهم تحمیل نشود. (پالمر، ۱۳۷۷، ص ۶۷) این موضع بتی که می‌توان گفت موضع هرمنوتیک روشی (مؤلف محور) است، شباهت زیادی با موضع رئالیسم یا واقع‌گرایی دارد. بر این اساس، از دیدگاه بتی تأویل ضرورتاً بازشناسی معنایی در بستر زندگی



افراد است که مؤلف آن با استفاده از مواد خاصی که دارای وحدت است توانسته تجسم بخشد. (کمالی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۰)

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- زمینه‌های تأثیرگذار بر مواضع سیاسی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره)

از منظر امیلیو بتی، از آنجایی که متون و اندیشه‌ها یک سند تاریخی است، قبل از اینکه بتوان آموزه‌های آن را در موقعیت معاصر به کاربرد، ابتدا باید نوشته‌های آن را در بستر یا زمینه اصلی درک کرد. در همین راستا، علاوه بر ثبت بستر دینی و سیاسی-اجتماعی نوشته‌های اصلی، لازم است مفسر موقعیت اصلی مخاطب را نیز بازسازی کند. از همین رو، ابتدا به واکاوی زمینه‌های تأثیرگذار بر مواضع سیاسی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱- زمینه‌های زیست خانوادگی و محیط زندگی

سید حسین بروجردی در صفر ۱۲۹۲ در بروجرد به دنیا آمد. نسب وی با ۳۲ واسطه، به حسن ابن علی (امام دوم شیعیان) می‌رسد. پدر او، سید علی طباطبایی، صرفاً عالمی دینی موصوف به علم و تقوا، و مادرش نیز سیده‌آغابگیگم، دختر سید محمدعلی طباطبائی است. بنابراین مسیری که آیت‌الله بروجردی در ابتدای زندگی، پیش‌روی خود می‌بیند مسیری علمی و نه ترجیحاً سیاسی و اجتماعی است. او به خاطر شرایط زندگی متفاوت، نه مانند امام خمینی پدر و مادر خود را در ابتدای دوران زندگی از دست داده و نه مبارزات اجتماعی خاندان یا پدر و خانواده خود را با حاکمان محلی می‌بیند. علاوه بر این، بروجرد نیز نسبت به خمین به لحاظ امنیتی کمتر حوادث تلخ دوران امام را به خود می‌بیند. از این رو، بروجردی از همان ابتدا با تمرکز بیشتر بر مسائل علمی و نه اجتماعی در هفت‌سالگی وارد مکتب‌خانه شد و آثاری چون «جامع‌المقدمات» را آموخت و چون در میان شاگردان از امتیاز ویژه‌ای برخوردار بود، پدرش او را به حوزه علمیه نوبخش بروجرد برد و از معلمان او درخواست نمود تا بقیه علوم مقدماتی را به پسرش بیاموزد. بدین گونه در محیطی علمی و امن، صرف و نحو، معانی بیان، بدیع و منطق، فقه و اصول را در بروجرد آموخت. (بروجردی، بی‌تا، ص ۵۰-۸۵)

در شرح حال آیت‌الله بروجردی مکتوب نوشته شده است که سن در ۲۲ سالگی، پدرش نامه‌ای به او می‌نویسد و او را از اصفهان به بروجرد فرامی‌خواند. آیت‌الله بروجردی تصور می‌کند پدرش بر آن است تا او را برای ادامه تحصیل، به بزرگ‌ترین حوزه علمیه شیعه یعنی نجف بفرستد، ولی برخلاف انتظار متوجه می‌شود که آن‌ها مقدمات ازدواج او را فراهم



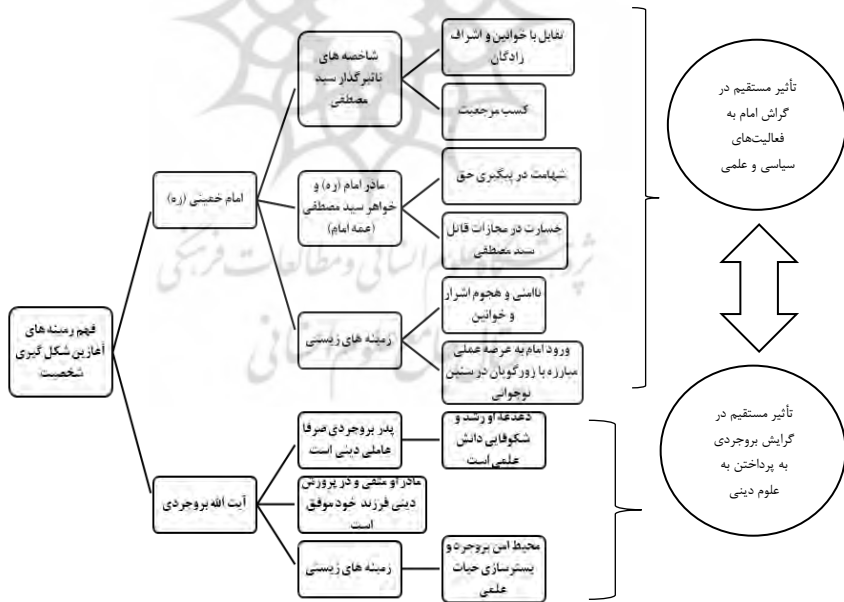
نموده‌اند. (بروجردی، بی تا ص ۵۳-۸۰) معصومه بیگم‌آزرمی، در کتاب سرگذشت‌های عبرت-انگیز می‌نویسد بروجردی «از این موضوع، اندوهگین می‌شود و چون پدرش علت اندوه و تأثر او را می‌پرسد، می‌گوید من با خاطر آسوده و جدیت بسیار، سرگرم دانش‌آموزی بودم، ولی اکنون بیم آن دارم که تأهل، میان من و مقصودم فاصله اندازد و مرا از تعقیب مقصود و رسیدن به هدفم بازدارد. پدر می‌گوید: فرزندم! این را بدان که اگر به دستور پدرت عمل کنی، امید است که خداوند به تو توفیق دهد تا به پیشرفت‌های مهمی که در نظر داری، برسی.» (آزرمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴) آنچه از مطالب بالا استنباط می‌شود این است که دغدغه بروجردی تا سن ۲۲ سالگی صرفاً کسب علوم دینی است. این مساله در راستای خواست پدر او است. اساساً ازدواج او نیز از دریچه نگاه پدر کمک‌کننده او در ادامه این مسیر بوده است. بنابراین، انگیزه کسب معرفت و دانش علوم دینی و حراست از کانون اسلام با روش علمی در مراحل آغازین و دوران جوانی زندگی او بخشی از شخصیت آیت‌الله بروجردی می‌شود.

این در حالی است که نوع زیست و زندگی اجتماعی امام‌خمینی (ره) با سید حسین طباطبایی بروجردی متفاوت است. امام (ره) در سال ۱۲۸۱ ش مصادف با بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ ق در خانواده‌ای کاملاً مبارزه و اهل علم و تفکر به دنیا آمد. پدرش سید مصطفی از جمله انسان‌های آزاده و حساس در برابر زورگویان زمان خود بود. او در رویارویی با خان‌ها و حاکمان محلی که زندگی مردم را متأثر از خشونت سیاسی-اجتماعی خود کرده بودند آرام نمی‌گرفت و «با شدت جلوی مظالم ظالمان را می‌گرفت و شدیدالعمل بود» (ستوده، ۱۳۷۴، ص ۲۲). در ابعاد علمی نیز پدر امام‌خمینی (ره) آن‌طور که از آثار و کتاب‌های او برمی‌آید، به درجه اجتهاد رسیده و ملقب به «فخرالمجتهدین» بوده است. بنابراین، برمبنای نظریه بتی‌بازبینی آغازین زندگی امام خمینی (ره) این نکته را روشن می‌سازد که او بعدها با خوانش روایت‌های متعدد از زندگی اجتماعی و علمی پدر، متأثر از او بوده و سرنوشت پدر در شکل‌گیری جهان‌بینی اجتماعی و آغازین او بی‌تأثیر نبوده است. به‌عنوان مثال رویه پدر امام‌خمینی در تقابل با زورگویان، بخصوص رویارویی با استبداد حشمت‌الدوله پسر عباس میرزای قاجار که در رأس تمام زورمندان و بسیار مقتدر بود، فرهنگ مبارز و نستوهی را در حیات سیاسی و اجتماعی خانواده او و شخص امام به وجود آورده بود. به‌گونه‌ای که برادرش سید مرتضی پسندیده در این رابطه صراحتاً می‌گوید «از همان اوان زندگی به گوش تن و جان می‌شنید که پدرش فدایی مبارزه با ظلم است» (قادری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶) به نظر می‌رسد بعدها با شهادت سید مصطفی به دست همین افراد، این شهامت در وجود آن‌ها نهادینه شده بود که در آن شرایطی که قاتل وابسته به خوانین و



شاهزادگان بود، خواهر سید مصطفی و همسر او تا نهایه شدن مجازات قاتلین او جسارت ابراز وجود و حق طلبی را داشته باشند. باین وجود شهادت سید مصطفی در به‌وسیله مخالفین و راهزنان محلی و وفات مادر در دوران نوجوانی، از جمله حوادث ناگواری است که زمینه‌ساز «خودسازی» و خلق حس اعتماد به نفس در امام گردید.

بخش قابل توجه دیگر از زمینه‌های شخصیت ساز و تأثیرگذار بر نوع و کیفیت فکر امام خمینی (ره) به شرایط امنیتی خمین که همواره به‌وسیله طوایف لر آماج نزاع‌های خوانین می‌شد و تلاش و اصرار مداوم خانواده او در مجبور کردن صدراعظم مظفرالدین‌شاه، یعنی «امین‌السلطان»، برای قصاص قاتل پدرش، هم‌زمان با خودسازی و اعتماد به نفس، عمل‌گرایی را نیز در شخصیت امام به وجود آورد. امام خود در ارتباط با دوران کودکی و تأثیرات فضای امنیتی می‌فرماید از کودکی در جنگ بوده و با هجوم مهاجمان تفنگ به دست مبارزه می‌کردیم. «من از بچگی در جنگ بودم... ما مورد هجوم «زلقی‌ها» بودیم، مورد [هجوم] «رجبعلی‌ها» بودیم و خودمان تفنگ داشتیم... من هم تفنگ داشتم. منتها من بچه بودم به‌اندازه بچگی‌ام. بچه شانزده هفده‌ساله، ما تفنگ دستمان بود و تعلیم و تعلم هم می‌کردیم... ما سنگر می‌گرفتیم و با این اشراری که بودند و حمله می‌کردند و می‌خواستند بگیرند و چه کنند [مقابله می‌کردیم].» (امام خمینی (ره)، ج ۱۱، ۱۳۸۷، ص ۱۲)



نمودار شماره ۲- زمینه‌های زیست خانوادگی و محیط زندگی



۴-۱-۲- زمینه‌های زندگی تحصیلی

در ارتباط با امام خمینی باید به این نکته اشاره شود که اگر دو عامل خودسازی و عمل‌گرایی که پیشتر بدان اشاره شد، او را به شخصیتی جسور و سازش‌ناپذیر مبدل نمود، موفقیت‌های وی در علوم چون اخلاق، فلسفه، فقه و بخصوص عرفان، تفکر و کنش سیاسی او را انسجام داد. (عابدی اردکانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸) توضیح آنکه نکته مهمی که در مورد زیست و زندگی تحصیلی و مهارت‌های علمی امام به چشم می‌خورد این است که امام بخصوص در اواسط زندگی خود بیشتر به پردازش، مطالعه و تألیف آثار اخلاقی و البته عرفانی می‌پردازد و بر مبنای آن نیز رویه‌های «اخلاقی» و «عرفانی» خود را سامان می‌دهد. (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۴۵) این نوع از اکتساب علمی امام خمینی (ره) در حوزه عمل، او را در تلاش به جهت اصلاح علمی و فرهنگی حوزه‌های علمیه، اعتراض به سیاست‌های فرهنگی و کنش‌های لیبرال محمدرضا شاه مستعد می‌کند. (Benard, khalizad, 1986, p 37)

علاوه بر این، از ابتدای سال ۱۳۴۰ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و پس‌از آن، توجه و استمرار در فراگیری و کسب دانش و روش فقه‌پژوهی و تفسیر فقهی از دین توسط امام آشکار می‌شود. این رویکرد امام طبیعتاً همراه با تألیف آثار فقهی است. بنابراین، فقه یکی از مهمترین ابزارهای است که در پردازش مقولات اجتماعی به کمک امام می‌آید توضیح آنکه با اوج‌گیری مبارزات مردمی، فقه و متون فقهی در آمادگی ذهنی او برای ورود به مباحث سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بوده و مجموعه این عوامل، تفکر سیاسی و الگوی مبارزات وی با دولت پهلوی را سامان می‌دهد. به تعبیری دیگر امام خمینی (ره) در این دوران از حیات اجتماعی خود، از طرح اشکالات فرهنگی و اخلاقی فراتر رفته و در مرحله‌ی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به شکل هدایت امر سیاسی و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای سیاسی‌نویین نمایان می‌شود. به‌گونه‌ای که این وقایع باعث می‌شود تا در دهه ۱۳۴۰ با وفات آیت‌الله بروجردی، جامعه روحانیت با ورود عملی‌تر به عرصه سیاست، به تدریج امام خمینی (ره) را به‌عنوان رهبری سیاسی-مذهبی و همچنین مبارزی کاریزما بشناسد. علاوه بر این، تکرار فضای آشفته و اعتراضات متعدد سال ۱۳۵۰ نیز از جمله عواملی دیگر بود تا این شکل از رهبری، حضوری کارآمدتر و قوی‌تر یابد. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۶۵) به‌گونه‌ای که چنانچه تاریخ روایت می‌کند، محدوده رهبری و هدایت‌گری امام در جنبش‌های اعتراضی و انقلابی صرفاً به نیروهای مذهبی محدود نشد، بلکه رفته‌رفته تمام گروه‌ها و حتی جنبش‌های دارای اندیشه و ایدئولوژی‌های مختلف را در بر گرفت. (عابدی اردکانی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۳-۲۲۰)

واکاوای زمینه‌های تحصیلی آیت‌الله بروجردی نیز نشان می‌دهد که اتخاذ دیدگاه‌های اعتقادی-سیاسی از سوی او بر مبنای استدلالی ویژه‌ای استوار است که درک آن‌ها، چشم



انداز نظری مؤثری در فهم اندیشه‌های و مواضع بروجردی به وجود می‌آورد. تبارشناسی آراء اجتهادی - سیاسی بروجردی آشکارا نشان می‌دهد که این مجتهد بزرگ شیعه، متأثر از مکتب آخوند خراسانی می‌باشد و به لحاظ اسلوب استدلالی و فقهی بر دستگاه فقهی-فکری ایشان تکیه دارد. واقعیت آن است که آیت‌الله بروجردی یکی از بهترین شاگردان آخوند خراسانی بود. (بروجردی، ۱۳۶۳، ص ۵۵) تجربه مشروطیت، سرنوشت آخوند خراسانی و بینش فرهنگی او، فضایی را در حوزه ایجاد کرد که شاگردان او تصمیم گرفتند توجهشان را از حوزه‌های سیاسی به حوزه‌های فرهنگی معطوف کنند. زیرا می‌دیدند آن‌همه تلاش در حوزه‌های سیاست دوران حیات آخوند خراسانی در نهایت به نقطه نامعلومی رسید. بنابراین، تکرار اشتباه گذشته‌گان را صحیح نمی‌دانستند. از همین رو آیت‌الله بروجردی نه اینکه شخصیتی سیاسی-اجتماعی نبود، -چون در نهضت مشروطیت هم تا حدودی جزء مشروطه‌خواهان بود- بلکه وزن شخصیت علمی او بیشتر بوده و از همین رو، عمدتاً به کارکردهای فرهنگی توجه داشت و اعمال آن‌ها را تأثیرگذارتر می‌دانست. (بروجردی، ۱۳۶۵، ص ۵۰) او باور داشت که بازسازی فرهنگ نیازمند یک کار جدی است و در اولویت اول قرار دارد. به همین جهت ورود عملی به عرصه سیاسی را لازم نمی‌دانست. علاوه بر این، در دستگاه فقهی آخوند خراسانی متأثر از استاد خود (شیخ انصاری)، فقیه ولایت سیاسی ندارد. به عبارتی گرچه فقیه وظیفه دارد و باید درباره تصرفات دیگران در این موارد فتوی بدهد، اما لزوماً فقیه ولایت سیاسی ندارد. بنابراین، نوع و زاویه دید سیاسی آخوند خراسانی بر فضای ذهنی آیت‌الله بروجردی نیز تأثیرگذار بوده است. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴-۲۱)

همچنین به نظر می‌رسد مبانی فقهی و الگوی رفتار سیاسی آیت‌الله حائری یزدی نیز بر دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله بروجردی بی‌تأثیر نبوده است. واقعیات تاریخی نشان می‌دهد که بروجردی خصلتاً مرجعی غیرسیاسی بود و از این حیث، روش سلف فقید خود، شیخ عبدالکریم حائری را دنبال می‌کرد. به‌عنوان مثال، در افق دید حائری وجود دولت شیعه و سلطه حاکم برای تأمین ضرورت‌های زندگی اجتماعی، حفظ اساس اسلام، صیانت از نفوس و اعراض و اموال مسلمانان و دفع مفسدات از ایشان واجب و لازم است. به باور او، سلطان شیعه‌ای که در صورت ظهور امام عصر حاضر به تسلیم قدرت به ایشان بوده و در پی تدبیر جامعه اسلامی باشد و دشمنی اجانب را از ممالک اسلامی دفع کند، ظالم تلقی نمی‌شود و حکومت را غصب نکرده است؛ چراکه در دروان غیبت دلیل خاصی برای روش خاصی از حکومت در دست نیست. درواقع ظاهراً در نظر حائری یزدی، شیعه بودن ظالم بودن را از موضوعیت می‌اندازد. به نظر می‌رسد این گزاره‌های نظری در حوزه عمل از طریق آیت‌الله



بروجردی مورد توجه بوده و در افق دید او تأثیر مستقیم داشته است. بخصوص آنجا که در مبارزه با بهاییان و مارکسیست‌ها از دولت پهلوی برای سرکوب نمودن آن‌ها تقاضای همراهی و همکاری دارد، یکی از نموده‌های عملی این رویکردی و موضع‌گیری سیاسی-اجتماعی است. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۲۷)

این در حالی است که یکی از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر اندیشه سیاسی امام و خوانش ایشان از امر سیاسی، اجتهاد جواهری است. اجتهاد جواهری روشی متعالی در بستر فقه سنتی است که با استناد به منابع اصیل فقهت، جامع‌نگری و واقع‌بینی می‌کوشد تا اجرای احکام اسلامی را از اعمال عبادی به عرصه‌های اجتماعی و جهانی آورده و زندگی سیاسی اجتماعی مسلمین را در پرتو این احکام به سعادت دوجاهانی رهنمون شود. (خمینی، ۱۳۶۳، ص ۷۹) در این میان، یکی از خصوصیتی که جواهرالکلام را منحصر به فرد کرده است، مباحث بدیع آن در قلمرو فقه سیاسی و بخصوص موضوع ولایت‌فقیه است که امام شدیداً از آن متأثر بوده است. به نظر می‌رسد نظریات صاحب جواهر در این زمینه، چارچوبی شفاف از فقه سیاسی را در فضای ذهنی امام بازتولید نموده که نمود عینی آن در کتاب ولایت‌فقیه او قابل مشاهده است. در این مکتب عناصری چون خردورزی، مصلحت‌نگری، واقع‌بینی و دخالت زمان و مکان در اجتهاد، نوع تصمیم‌گیری و کنش کلامی-گفتاری در حفظ حیات سیاسی شیعه در عصر غیبت و افق دید صاحب جواهر در ارتباط با حاکمان جائر از موضوعاتی است که توانسته است چشم‌اندازی نوین برای امام خمینی (ره) در ارائه دیدگاه‌های سیاسی و برآمده از فقه پویا و سیاسی به‌منظور اداره جامعه اسلامی در عصر غیبت گردد. (فرحی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۷-۱۷۹)

از جمله مکاتب فقهی دیگری که امام خمینی متأثر از آن بود مکتب فقهی نجف و قم بود. او در کل دوران تحصیل و تبعید خود به مدت ۱۴ سال از مکتب نجف تأثیر پذیرفتند. اصول و بنیان‌های این مکتب عبارتند از؛ اصول‌گرایی، مواجهه غیرانفعالی و انتقادی با تمدن غرب، بازشناسی جایگاه شریعت در سیاست، گذار از حکومت فردی به حکومت مردمی و عرفی، اعتقاد به ولایت‌فقیه در امور حسبیه و مقابله بانفوذ بیگانگان. (رجبی، ۱۳۷۷، ص ۴۹)

در مکتب قم نیز علاوه بر اصول مطرح‌شده مقولات چون گذار از حکومت فردی به حکومت مردمی، اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعتقاد به مقابله بانفوذ بیگانگان، نفوذ عمیق در لایه‌های اجتماعی، تمایل اساسی و نظام‌مند به پاسخ‌های اجتماعی و سیاسی، داشتن رویکرد ایجابی در طرح نظریه و الگوی سیاسی برای جایگزینی وضع موجود و پیوند تاریخی با فقهای پیشین اصولی بودند که بیشترین تأثیر را بر اندیشه امام خمینی داشته است. (بهشتی سرشت، حاتمی، ۱۳۸۷، ص ۷۵-۷۹)



علاوه بر این، امام در ایام تحصیل، با وجود آنکه تحصیل فلسفه و مبانی عرفان نظری در میان حوزه‌های رسمی دینی معمول نبود، نزد مهم‌ترین نمایندگان مکاتب حکمت متعالیه و عرفان نظری، کتاب‌های حکمت و فلسفه و عرفان را آموختند و در فلسفه مشاء و اشراق و حکمت متعالیه و عرفان نظری به مقام استادی رسیدند. به‌ویژه فراگیری حکمت ملاصدرا و عرفان نظری شیخ اکبر محی‌الدین ابن عربی و تلمذ امام در عرفان و شاگردی نزد آیت‌الله شاه‌آبادی، او را مبدع سبک جدید عرفان نمود. توضیح آنکه امام عرفان را جدای از حضور در صحنه‌های مختلف اجتماعی نمی‌داند، بلکه آن را وسیله‌ای برای تحوّل و اصلاح جامعه و مردم معرفی می‌کند و عارف واقعی را کسی می‌داند که انگیزه او الهی باشد. (بصیرت منش، ۱۳۸۴، ص ۴۸) در پاره‌ای دیگر از کتاب‌ها و رسائل امام، نیز میزان اطلاع وسیع ایشان بر فلسفه اسلامی و به‌ویژه حکمت متعالیه روشن می‌شود. در رساله طلب و اراده که رساله‌ای است درباره یکی از موضوعاتی که در اصول فقه از آن بحث می‌شود، امام به‌دقت تمام، عقاید کلامی و فلسفی مرتبط با موضوع اراده و مشیت و طلب و نسبت آن دو را روشن کرده‌اند. نکته جالب در رابطه با شخصیت امام، این است که ایشان علاوه بر تسلط در فلسفه و عرفان، فقهی اصولی و صاحب‌نظر در این دو زمینه است که در این رابطه مراجعه به تقریرات بحث‌های اصولی و فقهی درس‌های ایشان که به‌وسیله شاگردان امام نوشته و منتشر شده است، میزان عمق دانش ایشان را در این زمینه‌ها نشان می‌دهد. (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۸۵) اما واقعیت این است که دایره دانش امام منحصر به این علوم نبوده است؛ نگاهی به کتاب کشف اسرار ایشان میزان علاقه‌مندی ایشان را به مباحث تاریخی و کلامی و مباحث امامت روشن می‌کند. چاپ کتاب بسیار مهم عقبات الانوار میر حامد حسین در دفاع از امامت و ولایت محصول سال‌های اقامت در قم است که به کوشش ایشان به انجام رسید. اطلاع بر دانش حدیث و غوامض احادیث، از کتاب بسیار مهم الاربعین (چهل حدیث) امام به‌خوبی پیداست. همچنین امام با نوشتن چندین کتاب در شرح احادیث غامض، همانند شرح حدیث جنود عقل و جهل، به تحلیل محتوای عرفانی و فلسفی احادیث پرداخته‌اند. (خرازی، ۱۳۸۶، ص ۴)

بی‌گمان، جنبه‌های فلسفی و عرفانی ایشان در طرح نظریه ولایت‌فقیه تأثیر تمام داشته است. نظریه ولایت‌فقیه نظریه‌ای تنها فقهی و متکی بر منابع فقه نیست، بلکه منظر امام نسبت به انسان کامل و خلافت الهیه و مقام ولایت و نسبت میان شریعت و طریقت و حقیقت در ارائه آن بسیار نقش‌آفرین بوده است. امام تفسیری نوین از حرکت تاریخ و نقش انبیا داشتند و حکومت را به همین دلیل تطبیق اراده الهیه بر روی زمین و وسیله مقام خلافت الهی می‌دانستند. تفسیر محی‌الدین از مقام ولی و ولایت و سریان ولایت در وجود بی‌تردید در ذهن امام در طرح نظریه ولایت‌فقیه مؤثر بوده است. بنابراین نمی‌توان نظریه ولایت‌فقیه



ایشان و درک امام نسبت به فقه و شریعت و احکام اولیه و ثانویه را بدون درک درستی از نظریات عرفانی و فلسفی ایشان دید و تفسیر کرد.

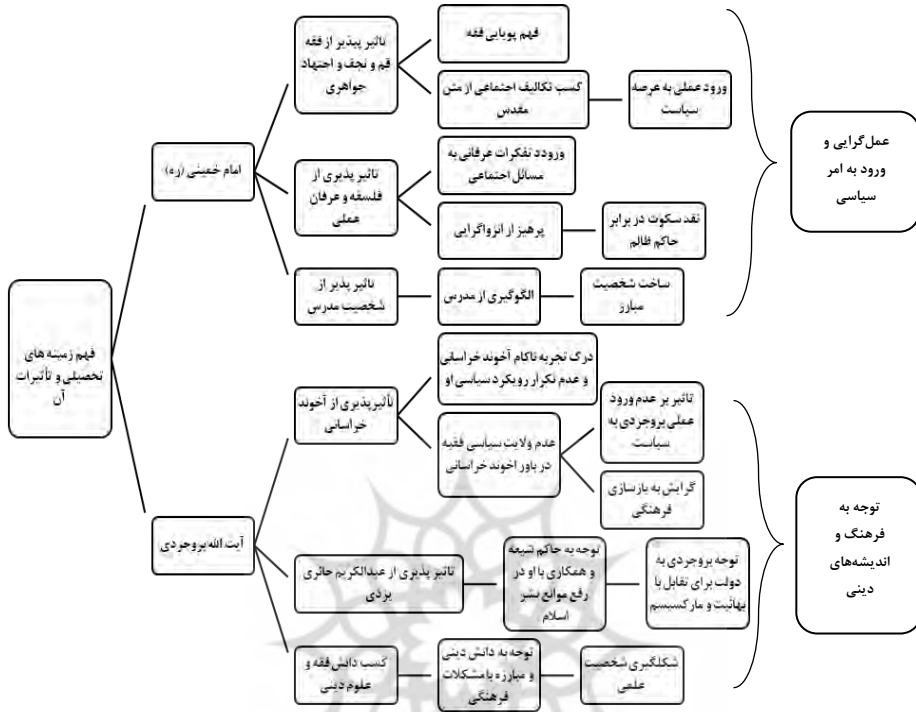
در ارتباط با شخصیت‌های تأثیرگذار بر اندیشه سیاسی امام خمینی نیز باید بیان داشت که به نظر می‌رسد گفتار و منش سیاسی امام به میزان زیادی تحت تأثیر رفتار و سخنان مدرس است. در بین شخصیت‌های مؤثر سیاسی در یک‌صد سال اخیر، امام بیشترین سخنان و توجه خود را به مدرس معطوف ساخته است. امام مدرس را یک الگوی تمام‌عیار و اندیشمندی از اسلام سیاسی می‌دانستند. شجاعت، صراحت لهجه، صداقت، پاک‌دامنی، زهد و از همه مهم‌تر هوشمندی مدرس در مسائل سیاسی مورد تأیید دوستان و حتی دشمنان مدرس بود. (خمینی، ۱۳۷۷، ص ۸۵) امام مدرس را در مبارزات سیاسی علیه رضاخان تنها می‌دید و به نظر می‌رسد که در آن گفتار انتقاد خود را متوجه شیخ عبدالکریم حائری و علمای مؤثر در حوزه کرده باشد که برعکس امام بر شخصیت بروجردی تأثیرگذار بوده است. میزان علاقه و توجه امام به مدرس به حدی بود که علیرغم اینکه طلاب از دخالت در سیاست پرهیز داده‌شده بودند، مشتقانه به تهران می‌آمد و در مجلس شورای ملی حاضر می‌شد و از نزدیک به سخنان مدرس گوش فرا می‌داد و پس از آن در مدرسه سپهسالار و در درس مدرس حضور می‌یافت و آنگاه تا منزل مدرس او را بدرقه می‌کرد. (بهشتی سرشت، ۱۳۸۵، ص ۵۷)

در جریان شعار جمهوری‌خواهی رضاخان و مقاومت و مبارزه مدرس با وی، امام نکته باریک و متفاوتی را نسبت به نظر مدرس مطرح کرد. در این اظهارنظر امام با رویکرد مدرس نسبت به موضوع جمهوری‌خواهی رضاخان موافق نبود. ایشان با اشاره به آن حادثه می‌گویند: «مدرس نگذاشت درست بکنند. ولو برخلاف مصالح شد، و اگر شده بود بهتر بود و ...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۰۲)

روح قوی و بلند مدرس برای امام چشمگیر و همواره مثال‌زدنی بود. امام که از نزدیک شاهد سلوک و رفتار مدرس بود می‌گوید: «زمان رضاشاه غیر از زمان محمدرضا شاه بود. آن وقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلق بود، در مقابل او همچو ایستاد، در مجلس، در خارج که یک وقت گفته بود: سبد چه از جان من خواهی؟ گفته بود که می‌خواهم که تو نباشی، می‌خواهم تو نباشی! ... آن وقت هم که می‌رفت مجلس، یک نفری بود که همه از او حساب می‌بردند. من مجلس آن وقت را هم دیده‌ام. کانه مجلس منتظر بود که مدرس بیاید؛ باینکه با او بد بودند، ولی مجلس کانه احساس نقص می‌کرد وقتی مدرس نبود. وقتی مدرس می‌آمد، مثل اینکه یک چیز تازه‌ای واقع شده، این برای چه بود؟ برای اینکه یک آدمی بود که



نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارایی و امثال‌ذکر... (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۴۵۲-۴۵۱)



نمودار شماره ۳- زمینه‌های زندگی تحصیلی

۴-۳-۴- زمینه‌های محیطی و ایدئولوژیکی

واقعیت آن است که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رویکرد سیاسی و مواضع آیت‌الله بروجردی، فعالیت بهایبان در ایران در دوره زندگی وی بوده است. بطوریکه در بین مراجع شیعه، او بیش از دیگران نسبت به مسئله بهاییت حساسیت نشان داده و مبارزه با آن را به صورت‌های مختلف پی گرفت. نه تنها فعالیت این گروه در دوران شکل‌گیری اندیشه مذهبی - سیاسی آیت‌الله بروجردی باعث ایجاد تلقی بسیار مخربانه و عامل استعمارگرایی از این گروه در ذهنیت ایشان داشته است بلکه فعالیت این گروه به‌ویژه در دروان رضاشاه باعث گردید تا در جهت کنترل فعالیت این گروه مذهبی به مبارزه مذهبی و نه سیاسی دست بزند. در ارتباط با این خطر و نوع مبارزات آیت‌الله بروجردی و امام خمینی ذکر چند نکته اهمیت دارد.



نخست این‌که؛ فعالیت بهاییان بخصوص در دوره رضاشاه متأثر از شرایط جدید سیاسی روند شدیدتری به خود گرفت. از آنجاکه بهاییان نقش به‌سزایی در پیروزی کودتای رضاخان داشتند (اللهیاری، ۱۳۸۷، ص ۳۳)، پس از روی کار آمدن رضاخان با اشغال پست‌های حساس حکومتی سهم خود را در زمینه قدرت سیاسی از رضاخان گرفتند. تا آنجا که در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی، یکی از سران درجه اول بهاییان ایران به نام علی محمد خان موقردوله، وزیر فواید عامه و تجارت و فلاح شد و در سالهای جنگ جهانی دوم هم که ارزاق عمومی و حیاتی کمیاب و یا نایاب شده بود، کار توزیع رزق و روزی مسلمین به دست بهاییان سپرده شد. (Parsa, 1989, p 76)

دوم؛ جنبش بهائیت در دوران پهلوی اول یکی از شاخه‌های بسیار مؤثر و بانفوذ در تشکیلات سیاسی دولت و به‌تبع آن ساختارهای فرهنگی و اقتصادی بوده است. (زاهدانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۸-۲۳۷) رضاشاه شخصاً به بهاییان اعتماد فراوان داشت تا جایی که یک افسر بهایی به نام ستوان اسدالله صنیعی (وزیر جنگ کابینه هویدا) را به‌عنوان «پیشکار» و «آجودان» و رئیس دفتر ولیعهدش محمدرضا پهلوی منصوب کرد و حتی قصد داشت یکی از بهاییان معروف به نام مجید آهی را نخست‌وزیر کند. (اللهیاری، ۱۳۸۷، ص ۳۰) از دیگر بهاییان دوره رضاشاه باید از عبدالحسین نعیمی یادکرد وی پسر میرزا محمد نعیم شاعر معروف بهایی بود که پس از مهاجرت به تهران به استخدام سفارت انگلیس درآمد بود پسرش عبدالحسین را هم در این سفارتخانه به کار گماشت. نقش مخربی که عبدالحسین نعیمی در نهضت جنگل و در میان یاران میرزا کوچک خان ایفا کرد بر اساس مأموریت محوله از سوی انگلیس بود. (MacEoin, 1987, p 102)

سوم؛ تبلیغات بهایی‌گری صرفاً از طریق ترویج احکام و عقاید بهایی‌گری نبود بلکه آنان تلاش می‌کردند با انجام خدماتی در زمینه‌های مختلف جامعه پیروانی برای خود بیابند که یک نمونه از این خدمات آموزش و پرورش بود. در تعقیب این اهداف اهل بهاء مدارس زیادی در سراسر کشور تأسیس کردند. (فردوست، ۱۳۶۹: ۳۷۵) مربیان و معلمان این مدارس غالباً از نفوس بهایی بود. منیره خانم ایادی مدرسه «تأییدیه و دوشیزگان وطن» را بنیاد نمود. مدرسه «تربیت بنین» و «تربیت بنات» در تهران، «وحدت بشر» در کاشان، «تأییدیه موهبت» در همدان و مؤسساتی مانند این‌ها در بارفروش (بابل) و قزوین به وجود آوردند. شیوه متفاوت تعلیم و تربیت در این مدارس، رعایت نکردن اصول و مقررات آموزشی و پرورشی توسط مربیان بهایی در روزهای اول و دوم ماه محرم و برپایی جشن در این روزها به خاطر تولد علی محمد باب برای مردم مسلمان و علمای شیعه ایران بسیار نگران‌کننده بود. (Hosey, 2008, p 46) در کنار این فعالیت‌ها می‌توان به نقش این گروه در تحریک



رضاشاه به کشف حجاب، تشکیل محفل روحانی ملی بهاییان ایران در این دوره، تأسیس بنیاد امان و ... نیز در این دوره اشاره کرد. (مهتدی، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

چهارم؛ در عصر پهلوی دوم نفوذ بهاییان در ارتش شاهنشاهی بسیار چشم‌گیرتر از سایر دستگاه‌های حکومت پهلوی بود، زیرا پست‌های کلیدی ارتش در دست افرادی نظیر ارتشبد «جعفر شفقت»، ارتشبد «ازهارى»، ارتشبد «فریدون جم»، ارتشبد «اویسی»، سپهبد «عبدالرحیم ایادی»، سپهبد «رستگار مقدم»، سپهبد «علی محمد خادمی»، سپهبد «ابوالحسن سعادت‌مند»، سپهبد «خسروانی» وعده‌ی زیادی از امرا و افسران ارشد ارتش بود، استخدام بهاییان در ارتش را تسهیل می‌کرد. (Amanat, 2001, p46)

پنجم؛ بهاییان علاوه بر ارتش در حوزه‌های فرهنگی نظیر دانشگاه‌ها، مطبوعات، سینما و تئاتر، رادیو و تلویزیون نیز نفوذ گسترده‌ای داشتند. آن‌ها باهدف تخریب اعتقادات جامعه وارد این حوزه شده بودند. (دوانی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹-۱۰۱۰)

بنابراین، آنچه در این دوره برای آیت‌الله بروجردی اهمیت دارد، کاهش قدرت فرهنگی- اندیشه‌ای بهاییان و از این طریق کم نمودن جایگاه سیاسی آن‌ها بود. به عبارت دیگر، در زمان رضاشاه تا سال ۱۳۴۰ مقوله مهمی که توجه بروجردی را به خود جلب می‌نماید خطر اعتقادی و نفوذ علمی بهاییان است. با توجه به اینکه بروجردی در این زمینه نیز هم حساسیت فراوان داشته و هم در تقابل با جریان‌های انحرافی از توان علمی زیادی برخوردار بود به سمت تقابل علمی و جدال فکری با آن‌ها سوق می‌یابد. در نقطه مقابل امام نفوذ و گسترش آن‌ها را سیاسی دانسته و به سمت مبارزات سیاسی گرایش پیدا می‌کند. بنابراین غیر بودن بهابیت و خطر قدرت‌یابی آن‌ها برای امام و بروجردی مسجل است و در این زمینه با یکدیگر قرابت دارند اما اولویت‌های مبارزاتی آن‌ها و در نتیجه شکل مبارزه آن‌ها نیز متفاوت می‌شود (Shatzmiller, 2005, p 85) به‌عنوان مثال امام خمینی هدف لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را «حاکمیت بهاییان بر سرنوشت ایران» ارزیابی نموده، به‌صورت یک معترض و مخالف مقتدر، علیه لایحه و در مقابل رژیم پهلوی قد علم می‌کند و در مناسبت‌های مختلف با سخنرانی‌های روشنگر خود، علما و مردم را از توطئه‌های استعمار مطلع و خطر بهاییان و اسرائیل را برای اسلام و کشور گوشزد می‌کند: «... این جانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم، قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در قبضه صهیونیست‌ها است که در ایران به [صورت] حزب بهایی ظاهر شدند...» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۴-۳۵) در خوانش اجتماعی امام از وضع ایدئولوژیکی آن زمان، استعمار و صهیونیست‌ها در خلق این فرقه دست داشته و همه آن‌ها دشمنی مشترکشان با اسلام دارند. از همین رو در سال ۴۲ طی پیامی خطاب



به علمای یزد، صریحاً از تسهیلاتی که دولت علم برای انجام کنفرانس ضد اسلامی بهایان در لندن منظور کرده بود انتقاد می‌کند و می‌فرماید «بسیاری از پست‌های حساس به دست این فرقه (بهاییت) است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند» علاوه بر این، در سخنرانی‌های همان سال نیز، ضمن هشدارهای متعدد به مردم و روحانیت آن‌ها را به حضور در سیاست و دوری از سکوت اجتماعی دعوت نموده و فرمود: «این سکوت مرگبار اسباب این می‌شود که زیر چکمه اسرائیل به دست همین بهایی‌ها، این مملکت ما، نوامیس ما پایمال شود...» (بصیرت منش، هاشمی تروجنی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵) امام درباره اصول انقلاب سفید نیز معتقد بود که برخی از اصول آن مانند «تساوی مطلق حقوق زن و مرد» نشأت گرفته از نظریات «عباس افندی» است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که از دیدگاه امام، بهاییت با سازمان خود در ایران به جاسوسی برای اسرائیل و امریکا مشغول بود و در اساس برای شکستن مذهب شیعه به وجود آمده بود. بنابراین، در نگاه نهایی خود که هدف غایی بهاییت شکست شیعه است با آیت‌الله بروجردی اشتراک نظر دارد اما در روش‌های مبارزاتی شیوه متفاوت را اتخاذ می‌کنند. آیت‌الله بروجردی در تقابل با این فرقه به سه روش (۱) جدال علمی (۲) نامه‌نگاری با علمای شیعه و دعوت به وحدت رویه در تقابل با آن‌ها (۳) انتقاد و اعتراض به حاکمیت سیاسی و درخواست کاهش نفوذ آن‌ها (۴) افزایش آگاهی مردم از خطرات آن‌ها به‌گونه‌ای که در فتوایی صراحتاً بیان داشتند «لازم است مسلمین با این فرقه معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. فقط از مسلمین تقاضا دارم آرامش را حفظ [کنند] و انتظام را از دست ندهند.» (منظورالاجداد، ۱۳۸۷، ص ۴۹۸-۴۹۹)



نمودار شماره ۴- تقابل با فعالیت بهایان و مارکسیست

علاوه بر این، یکی دیگر از منابع تأثیرگذار در رویکرد آیت‌الله بروجردی در حوزه سیاست و رویکرد حداقلی نسبت به آن، ترس از تسلط و برتری ایدئولوژی مارکسیستی متأثر از فعالیت حزب توده در بعد از ۱۳۲۰ بود. بطوریکه ایشان دولت مستقر پهلوی را بر توده‌ای‌گری و مارکسیسم‌شدگی ایران ترجیح می‌داد و در نتیجه تقابل با آن را بر تقابل بر دولت پهلوی



ارجح‌تر می‌دانست یا حداقل خوانشی که از خطر مارکسیست‌ها داشت او را بر آن می‌داشت تا تقابل با مارکسیست‌ها را در اولویت اول خود قرار دهد. از همین رو در تلاش بود تا ابتدا در تعامل و همکاری حداقلی با دولت مستقر از فعالیت توده‌ای‌ها جلوگیری نماید. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۲۵۳)

این در حالی است که اساساً خوانش امام خمینی (ره) از متن اجتماع ایران و روحانیت متفاوت بود. امام آشکارا بیان می‌داشتند که در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها هم آزادند که حرفشان را بزنند و رفع حصر شود؛ اگر دوباره آشوب کردند، خودم جلویشان می‌ایستم. این نوع نگاه و افق دید در تصمیمات او نیز بسیار تأثیرگذار بود. توضیح آنکه امام می‌دانست روحانیت قدرت بسیج بالایی دارد بنابراین، تا زمانی که حزب توده و مارکسیست‌ها علنی با مقاومت مردمی همراه و یکدل بودند رویکردی جذبی و نه دفعی داشت. از طرف دیگر یکی از هنرها و خلاقیت‌های امام این بود که اساساً دخالت در سیاست را به‌عنوان یک تکلیف شرعی معرفی کردند؛ از این رو او دخالت در سرنوشت فردی و اجتماعی را یک وظیفه دینی نه دلبخواهی و تفننی قلمداد نمود. این اقدام او به همه مردم اعم از ملی‌گرا، دانشگاهی و توده‌ای این معنا را می‌رساند که اساساً مشارکت سیاسی یک وظیفه دینی و مردمی است و همه احزاب و طبقات وظیفه‌ای حضور سیاسی دارند. بر همین مبنا نیز این حرکت‌ها در تشدید نهضت اسلامی بسیار مؤثر بود و لایه زیرین جامعه خودش را نشان داد.

۴-۱-۴- انگیزه و نیت آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره)

همان‌طور که پیشتر بدان اشاره شد، از منظر امیلیو بتی، برای فهم موضع‌گیری‌های سیاسی و تأمل در اندیشه سیاسی متفکران، واکاوی زمینه‌های شخصیت ساز و تأثیرگذار در تکوین اندیشه، برای رسیدن به فهم نیت متغیرهای مورد مطالعه لازم است. بتی معتقد است که نیت و انگیزه افراد، تنها یک کنش ذهنی نیست بلکه رفتاری اجتماعی است که در دوران زیست سیاسی-اجتماعی اندیشمند مورد مطالعه عینیت می‌یابد. در همین راستا، واکاوی تحولات دوران آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) حکایت از آن دارد که اندیشه سیاسی در دوره آیت‌الله بروجردی تا حدودی دچار ایستایی است. در میان دو گروهی که رویکردی مثبت‌گرا نیست به تعاون دیانت و سیاست داشتند، آیت‌الله بروجردی در دسته اول قرار داشت که معتقد بود مبارزه جهت تسلط عالمان دینی نفی نمی‌شود؛ اما مبارزه در آن شرایط به زبان مسلمین و اسلام است. امام خمینی (ره) اما در دسته دوم قرار داشت که با قاطعیت باور داشت مبارزه نه‌تنها به ضرر اسلام، مسلمانان و علمای اسلام نیست، بلکه امری است واجب و ما بدون شک می‌توانیم مملکت را اداره کنیم. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱) بنابراین، نیت هر دو اندیشمند دینی حفاظت از کیان اسلام و جلوگیری از زیان رسیدن با ماهیت



دین است اما دو روش متفاوت را جهت تقابل با حاکمیت انتخاب می‌کنند. برای آیت‌الله بروجردی که عالم به دین است خطر بهاییان و مارکسیست‌ها و عدم وجود رهبری دینی و بااقتدار که زمام امور را به دست بگیرد به مراتب بیشتر از سلطان یا پادشاه اسلام‌پناه بود. از همین رو متناسب با توانمندی‌های هویتی و شخصیتی خود، تقابل علمی و فرهنگی با منحرفین با همکاری حاکمیت، تقویت حوزه به لحاظ کمی و کیفی، افزایش نفوذ علمی-اجتماعی طلاب و حوزه و تا حدودی نقد زمامدار را کافی می‌دانست.

این در حالی است که نیت امام تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای زمامداری فقیه است. او به نیت حفظ اسلام و رشد انسان معتقد بود سیاست حقیقی؛ آن سیاستی است که در قاموس اندیشه انبیاء و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) قرار داشته است و ورود عملی به این حوزه جز از طریق فقهای جامع شرایط که همیشه وجود داشته‌اند امکان‌پذیر نیست. امام منشأ بداخلاقی‌های انسان امروز این را در وجود حاکمان و پادشاهان ظالم در اجتماع انسانی و عدم پیروی مردم از رهبران و عالمان دینی در همه نقاط جهان می‌دانست. بنابراین، عدم همکاری و مبارزه مستقیم با حاکمان از اولویت و اهمیت برخوردار می‌شود.

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

دست‌یابی به عوامل تأثیرگذار بر نوع موضع‌گیری‌های سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله بروجردی، کشف نیات و انگیزه آن‌ها و همچنین استفاده از مدل مفهومی امیلیو بتی، وجه تفاوت تحقیق حاضر با اکثریت پژوهش‌ها در این زمینه است. در این تحقیق این نتیجه حاصل شد که مدل و نوع تقابل آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) در زمینه‌های اجتماعی با یکدیگر متفاوت است اما اساساً نوع تقابل آن‌ها در زمینه‌هایی که احساس خطر می‌کردند؛ در طول یکدیگر قرار داشته و زمینه‌ساز وحدت و انجام تقابل‌های به مراتب سخت‌گیرانه در مقابله با رژیم پهلوی در زمان‌های بعدی بوده است. علاوه بر این عوامل نیز در نوع شناخت آن‌ها تأثیرگذار بوده که در کمتر پژوهشی به این مقولات پرداخته شده است. اگر هم در این زمینه آثاری وجود داشته باشد، اساساً از مدل مفهومی یا روشی مناسبی جهت مفصل‌بندی بهینه مطالب سود نبرده‌اند. به نظر می‌رسد برای فهم بهتر اندیشه‌های سیاسی و مذهبی یکی از بهترین مدل‌ها و روش‌ها بهره‌گیری از روش هرم‌نوتیک است. مهم‌ترین مزیت استفاده از هرم‌نوتیک در تحلیل داده‌های کیفی که انواع و اقسام متعددی را به خود اختصاص داده است، این است که محقق را در درک بسیار عمیق‌تر مردم و جویندگان علمی توانمند می‌کند.



رویکرد تحلیلی چون رویکرد امیلیو بتی، محقق را ملزم می‌کند تا آراء سیاسی، موضع‌گیری‌های اجتماعی و اندیشه‌های فرهنگی را در بسترهای خرد و کلان بررسی کند. این رویکرد به محقق کیفی امکان می‌دهد که پیچیدگی اندیشه و موضع‌گیری‌های اجتماعی را بررسی و آن را از زوایای بسیاری مورد مذاقه قرار دهد. این مسأله به این خاطر است که رویکردهای تحلیلی چون رویکرد امیلیو بتی، از بنیان‌های فلسفی و در حالت کلی‌تر، از علوم اجتماعی برخاسته است، و این یعنی اینکه تقریباً به‌آسانی می‌توان با به‌کارگیری آن‌ها، در رفع پیچیدگی‌های دیدگاه‌های سیاسی، دلایل، نیات و انگیزه‌های اندیشمندان موفق باشیم. این در حالی است که در اکثر تحقیقات پیشین به این مهم توجه نشده است و پژوهشگران صرفاً به جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل‌های بدون پشتوانه نظری منسجم و شناخته‌شده اکتفا نموده‌اند.

۵-۲- نتیجه‌گیری

روش و نظریه هرمنوتیک امیلیو بتی می‌کوشد با به‌قاعده درآوردن درک و فهم، بر فاصله میان موضع‌گیری سیاسی و دانش محقق آن غلبه کرده، در فهم و روشمند ساختن رویکردها به خواننده کمک کند. در نگرش امیلیو بتی توجه به نیت و مراد تصمیم‌گیرنده و اندیشمند ضروری است و این کار در کنار فهم موضع‌گیری سیاسی، با واکاوی بسترهای محیطی، خانوادگی، ایدئولوژیکی و زمانی قابل‌دستیابی است. بر همین مبنا آنچه مشخص است این است که امام خمینی از مراحل آغازین زندگی خود متأثر از محیط زندگی و خانوادگی جسارت لازم برای برون‌گرایی را فرامی‌گیرد. در زمینه علمی، معرفت عرفانی، فقهی، حکمت فلسفی؛ امر سیاسی و مدیریت بر مبنای اصول اسلامی را در وجود خود و در دورن بستر اجتماعی ایران آن‌هم به‌وسيله فقها قابل‌اجرا می‌داند. از همین رو، با بهره‌مندی از عرفان پویا و با ورود به معارف دینی نوعی از رستاخیز بزرگ اسلامی به جهت بیداری امت اسلامی به وجود آورد. این در حالی است که اساساً محیط متفاوت زندگی و خانوادگی بروجردی، برداشت متفاوت از انحرافات ایدئولوژیکی و اساتید تأثیرگذار، شرایط لازم برای برداشت منحصربه‌فرد از خطرات زمانه را در ذهن آیت‌الله بروجردی به وجود می‌آورد. او در بلوغ حوزه و گسترش نفوذ کلی روحانیون در اجتماع مردمی و تحولات علمی حوزه نقش زیادی دارد اما از طرفی از آنجاکه به‌زعم خود هنوز در مرحله‌ای قرار نداشت که توجه و تأمل در سیاست را به داخل حوزه وارد کند، نقش او به‌عنوان یک مرجع، در حوادث سیاسی دوران زندگی خود نقشی حاشیه‌ای و کم تأثیر است.



جدول شماره ۱-زمینه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری موضع سیاسی متفاوت آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره)

نیات	زمینه‌های محیطی و ایدئولوژیکی	زمینه‌های تحصیلی	زمینه‌های زیست خانوادگی	
امام خمینی (ره)	۱-حفاظت از کبان اسلام و ماهیت دین با ورود به عرصه سیاسی	۱-اعتقاد به عاملیت حاکم و نیروهای خارجی در خلق بهائیت	۱-الگو گیری از اساتید مبارز	۱-ورود عملی به مبارزه با زورگویان محلی
	۲-تشکیل حکومت دینی	۲-جذب نیروهای مخالف با دولت	۲-فهم پویایی فقه و پرداختن به مسائل روز	۲-شکل‌گیری شخصیت عمل‌گرا
	۳-استفاده از ظرفیت بسیج‌گرایی سیاسی روحانیون	۳-تقابل با دولت و ضرورت ورود مستقیم در جریان مبارزات	۳-ورود به متن اسلام سیاسی	۳-کسب استراتژی تقابل‌گرایانه، دغدغه‌مندی سیاسی-دینی
آیت‌الله بروجردی	۱-حفاظت از کبان و ماهیت اسلام با ورود به عرصه علمی-فرهنگی و مبارزه با منحرفین	۱-اعتقاد به اولویت مبارزات فرهنگی با بهائیت با کمک نظام حاکم	۱-عبثت‌گیری از پایان ناکام مبارزات مشروطه و اساتید محافظه‌کار	۱-ورود جدی به عرصه اندیشه دینی
	۲-تقابل با منحرفین فرهنگی و تقویت حوزه	۲-اولویت یابی مبارزه با مارکسیست‌ها	۲-درک اهمیت نشر علوم دینی و تقویت حوزه	۲-شکل‌گیری شخصیت علمی
	۳-تقویت نفوذ دینی روحانیون در میان مردم	۳-صبر استراتژیک	۳-تکیه بر احکام، اخلاق و علوم اسلامی	۳-دغدغه‌مندی دینی

۵-۳- پیشنهادها

با توجه به اهمیت موضوع ارتباط میان دین و سیاست و همچنین بررسی تطبیقی آراء امام خمینی (ره) با سایر علمای زمان او بخصوص آیت‌الله بروجردی در فضای امروز جامعه، پیشنهادات پژوهشی زیر ارائه می‌گردد:

- در بررسی تطبیقی آراء امام خمینی (ره) با سایر علما و افرادی چون آیت‌الله بروجردی، اولاً فرض دانستن ارتباط ناگسستنی دین از سیاست، مردم‌سالاری دینی و نفی سلطنت، قانون مداری، آزادی با قید اسلامی و امری‌معروف و نهی از منکر که از جمله اصول



اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) است، ضرورت دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود قبل از بررسی مقایسه‌ای نوع اندیشه‌های سیاسی و کم و کیف آن‌ها، اصول و بنیان‌های اندیشه افراد فهم گردد.

۲- در ارتباط بافهم دقیق اندیشه‌های سیاسی بخصوص فهم تطبیقی آن‌ها، استفاده از روش‌های پژوهشی بخصوص رویکردهای مهمی چون هرمنوتیک روشی بسیار اهمیت دارد. با استفاده از این روش‌ها: ۱- محقق در زمینه زیستی-ایدئولوژیکی و عوامل تأثیرگذار در نوع فکر آن‌ها قرار می‌گیرد؛ ۲- به چگونگی فکر اندیشمندان نائل می‌شود؛ و ۳- با پردازش متن و زمینه و در نظر گرفتن هردوی آن‌ها، نیت‌های افراد نیز کشف و بازتعریف می‌شود.

۳- در برخی از موارد به‌کارگیری شیوه تطبیقی در زمینه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی، به مخاطبان در زمینه فهم کیفیت نگاه و تفکر افراد کمک می‌کند. از همین رو پیشنهاد می‌شود در پاره از مواقع برای فهم بهتر شخصیت فکری و چرایی رویکرد متفاوت افراد، با در نظر گرفتن چارچوب‌های روشی و نظری قوی، به سمت مطالعات تطبیقی گرایش پیدا کنیم.

۴- از آنجاکه شرح و تفسیر اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) از جمله وظایف حوزه و دانشگاهیان متعهد است، پیشنهاد می‌شود، در این زمینه به روش‌های جدید کیفی برای فهم چگونگی شکل‌گیری موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی نیز توجه شود و از آن‌ها برای فهم بهتر تأثیرات محیطی، زمینه‌ای و وقایع در نوع موضع‌گیری‌های متفاوت علما استفاده شود.



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱) امین، سید حسن (۱۳۸۹)، روحانیت و حاکمیت در عصر پهلوی‌ها: نگاهی به سیره سیاسی آیت‌الله حائری، آیات ثلاث و آیت‌الله بروجردی، حافظ فروردین، شماره ۶۸، ص ۲۴-۲۷.
- ۲) بهشتی سرشت، محسن؛ حاتمی، حسین (۱۳۸۷)، تفکر دینی و ماهیت جنبش ضد رژیم با تکیه بر نظرگاه امام خمینی، پژوهشنامه متین، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صفحه ۶۱-۸۰.
- ۳) خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۰)، نقدی بر هرمنوتیک فلسفی، رواق اندیشه، اسفند ۸۰، شماره ۶.
- ۴) ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۸۴)، نهاد مرجعیت شیعه و نقش آن در تحولات اجتماعی ایران معاصر، شیعه شناسی، شماره ۱۰، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- ۵) شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۰)، نگاهی به: روش فقهی مصلح بزرگ، آیت‌الله بروجردی (ره)، آینه پژوهش، شماره ۷، ص ۷-۳۰.
- ۶) شیخ‌زاده، محمد؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۵۱-۱۹۸.
- ۷) عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۸)، آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی پیرو بی‌بدیل اسلام ناب محمدی، فصلنامه حضور، شماره ۶۹.
- ۸) فیض، علیرضا، بهرامی نژاد، علی (۱۳۸۷)، بررسی حجیت شهرت فتوایی در اصول متلقات با رویکردی بر دیدگاه، آیت‌الله بروجردی، خوبی و امام خمینی، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۳، ص ۸۵-۱۰۸.
- ۹) قاسمی، زهرا؛ کاوه پیش‌قدم، محمدکاظم؛ بهزادی، محمدحسین (۱۳۹۴)، مدل‌های ورود به سیاست در روش عملی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، راهبرد توسعه، شماره ۴۱، ص ۱۲۹-۱۴۸.
- ۱۰) قریشی کرین، سید حسن؛ حسین فلاحی، احمد؛ خرم‌آبادی، یدالله (۱۳۹۱)، تطبیق اندیشه تقریب از منظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله بروجردی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم - شماره ۵، ص ۹۱-۱۱۰.



- ۱۱) کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره چهارم، شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۱۲.
- ۱۲) محمدی، مسلم (۱۳۹۰)، بازخوانی تحلیل نقش آیت‌الله بروجردی و امام خمینی قدس سره در مبارزه با اسلام‌ستیزی و نفوذ بهاییان در حکومت پهلوی، مطالعات انقلاب اسلامی، ص ۶۱ - ۸۴.
- ۱۳) نیکنام، خسرو؛ ملائکه، سید حسن (۱۳۹۷)، حکومت از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله بروجردی (ره)، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۱، ص ۱۱۵ - ۱۳۳.
- ۱۴) واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۸۶)، وحدت و انسجام اسلامی از نگاه آیت‌الله بروجردی، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۷، ص ۲۰ - ۲۵.

کتاب‌ها

- ۱) آبراهامیان، برواند (۱۳۸۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ سیزدهم، تهران: نشرنی.
- ۲) احمدی، مجتبی و همکاران (۱۳۸۸)، چشم‌وچراغ مرجعیت: مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، قم: بوستان کتاب قم.
- ۳) آزرمی، معصومه بیگم (۱۳۸۵)، سرگذشت‌های عبرت‌انگیز از عاقبت گنهکاران، قم: مهر امیر المومنین.
- ۴) بروجردی، سید حسین، (۱۳۶۳)، توضیح المسائل (بروجردی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵) بروجردی، سید حسین، (۱۳۶۵)، تبیان الصلاة، تهران: گنج عرفان.
- ۶) بروجردی، سید حسین، (بی‌تا)، خاندان آیت‌الله بروجردی، مترجم: علی دوانی، تهران: انصاریان.
- ۷) بصیرت منش، حمید (۱۳۸۴) علما و رژیم رضاشاه، چاپ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۸) بصیرت منش، حمید؛ هاشمی‌تروجنی، سید محمد (۱۳۷۹) تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی (س)، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۹) بلایشر، ژوزف (۱۳۸۵)، گزیده هرمنوتیک معاصر، ترجمه سعید جهانگیری، چاپ اول، تهران: پرسش.



- ۱۰) پالمر، ریچارد (۱۳۷۷)، **علم هرمنوتیک**، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران، نشر هرمس.
- ۱۱) خرازی، صادق (۱۳۸۶) **کیمیای عرفان**، روزنامه شرق، چهارشنبه ۱۶ خرداد.
- ۱۲) خمینی، آیت‌الله سید روح‌الله، (۱۳۶۳)، **تحریر الوسیله**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۳) خمینی، آیت‌الله سید روح‌الله، (۱۳۷۱)، **صحیفه نور**، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۱۴) خمینی، آیت‌الله سید روح‌الله، (۱۳۷۷)، **وصیت‌نامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی (ره)**، تهران: انتشارات آبا.
- ۱۵) خمینی، آیت‌الله سید روح‌الله، (۱۳۷۸ الف)، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۱۶) خمینی، آیت‌الله سید روح‌الله، (۱۳۷۸ ب)، **آداب الصلاه**، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۱۷) دوانی، علی (۱۳۷۹) **مفاخر اسلام: آیت‌الله عظمی بروجردی**، جلد دوازدهم، چاپ چهارم، با تجدیدنظر و اضافات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۸) رجبی، محمدحسن (۱۳۷۷)، **زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۹) ستوده، امیررضا (گردآورنده) (۱۳۷۴) **پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی**، تهران: نشر پنجره.
- ۲۰) طباطبایی، صادق (۱۳۸۷) **خاطرات سیاسی، اجتماعی: جنبش دانشجویی ایران**، جلد ۱، تهران: نشر عروج وابسته به مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)
- ۲۱) فردوست، حسین (۱۳۶۹) **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست**، ج ۱، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۲) فیرحی، داوود (۱۳۹۱) **دین و دولت در عصر مدرن**، تهران: نشر نی.
- ۲۳) قادری، سید علی (۱۳۷۹) **خمینی روح‌الله: زندگینامه امام خمینی بر اساس اسناد و خاطرات و خیال**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲۴) اللهیاری، احمد (۱۳۸۷)، **بهاییان در عصر پهلوی‌ها**، چاپ چهارم، تهران: دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان.
- ۲۵) منظورالاجداد، محمدحسین (۱۳۷۹) **مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام**، نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی ۱۳۳۹-۱۲۹۲ ش، تهران: پردیس دانش.
- ۲۶) منوچهری، عباس (۱۳۸۱)، **هرمنوتیک، دانش و رهایی**، چاپ اول، تهران: بقیه



۲۷) مهتدی (صبحی)، فضل‌الله (۱۳۸۶)، **خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایبگری و بهایی‌گری**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۶-۲- منابع لاتین

Books

1. Benard, Cheryl, Khalizad, zalmay (1986), **the government of god Iran Islamic Republic**, newyork: Columbia university press.
2. Hosey, David (2008). **The Baha'is of Iran: History of Repression, Story of Resistance**. International Studies Review, Washington Collage.

Articles

1. Betti, Emilio(2015), **Teoria generale della interpretazione**, Volume 1
2. Betti, Emilio, (1967), **Attualità di una teoria generale dell'interpretazione**, Annali Della Facoltà Giuridica. - Napoli [u.a.]: Giuffrè, Vol. 33.1967, p. 93-121.
3. Betti, Emilio, (2016), **General Theory of Interpretation (The General Theory of Interpretation)** Volume
4. Paperback – September 29, 2015.

Websites

1. MacEoin, Denis (1987). “**The Baha'is of Iran: The Roots of Controversy. Bulletin**” (British Society for Middle Eastern Studies) 14, no.1.
2. Amanat, Mehrdad (2011). **Jewish Identities in Iran: Resistance and Conversion to Islam and the Baha'i Faith**. I.B.Tauris. ISBN 1-84511-891-X
3. Parsa, Misagh (1989). **Social origins of the Iranian revolution, Studies in political economy**. Rutgers University Press. ISBN 0-8135-1412-6.
4. Shatzmiller, Maya (2005). **Nationalism and minority identities in Islamic societies, Volume 1 of Studies in nationalism and ethnic conflict**. McGill-Queen's Press - MQUP. ISBN 0-7735-2848-2.

